

التعويض المالي والفصول العشائرية

جبران خسارت مالی، و حل و فصل قبيله‌ای

س ۱۶۴ / هل يجوز أخذ مبلغ من المال من أعضاء حزب البعث وأزلام النظام السابق نتيجة لكتاباتهم على الناس وتسببهم بإعدام البعض وسجن الآخر وتهجير وتهديم و حرق بيوت البعض، وما هو المبلغ المحدد لذلك؟ وهل يثبت الضرر بوجود تقرير مكتوب من قبل رجل الأمن أو الرفيق؟ وهل يكفي شاهد واحد في ذلك إذا لم يوجد تقرير؟

پرسش ۱۶۴:

آیا گرفتن غرامت از اعضای حزب بعث و باقی‌مانده‌های نظام پیشین جایز است؟ به خاطر گزارش‌های آنان علیه مردم و اینکه باعث اعدام برخی و زندانی شدن برخی دیگر و از بین بردن و منهدم شدن و آتش زدن خانه برخی دیگر شده‌اند؟ مبلغ مشخص شده برای این مسئله چه مقدار است؟ آیا صرفاً با وجود داشتن گزارش مكتوب از سوی یک شخص امنیتی یا هم‌حزبی، ضرر و زیان ثابت می‌گردد؟ اگر گزارشی در کار نباشد، آیا وجود داشتن یک شاهد کفایت می‌کند؟

ج/ كل من وقع أو يقع عليه ضرر مالي أو نفسي أو عائلي بسبب شخص آخر أو جماعة فله أن يطالب بتعويض مناسب مالي أو غيره ضمن حدود الشرع. أما ثبوت وقوع الضرر فيرجع للجهة التي يتم التحاكم لها سواء كانت عشائرية أم حكومية، فهذا الأمر جوابنا لا يقدم ولا يؤخر فيه؛ لأننا لا نحكم أو نشرف على حكم دولة نقيم فيها الحقوق حتى يوجه لنا هكذا سؤال.

پاسخ:

هرکسی که زیان مالی، جانی یا خانوادگی به واسطه فرد یا گروهی به او رسیده باشد و می‌رسد، می‌تواند ضمن حدود شرعی، عوض مالی یا چیزی دیگر درخواست کند. اما اثبات وقوع زیان به مرجعی باز می‌گردد که حکم کردن به آن ارجاع شده است؛ می‌خواهد عشائری باشد یا حکومتی. پاسخ ما در این خصوص چیزی را پس یا پیش نمی‌اندازد (تغییری حاصل نمی‌کند)؛ چراکه ما حکومت نمی‌کنیم و بر آن اشراف نداریم تا حقوق را در آن اقامه نماییم؛ تا امثال این پرسش‌ها متوجه ما گردد!

س ۱۶۵ / يقوم البعض بمنع الحكومة أحياناً أو يمنع المقاول من إنشاء بعض المشاريع مثل المدارس أو غيرها بحجة أن هذه الأرض له، وأحياناً يأخذ من المقاول أموالاً كي يسمح له بالعمل، هل هذا التصرف مشروع؟
پرسش ۱۶۵:

برخی افراد مانع حکومت یا پیمانکار برای ساخت بعضی پروژه‌های تصویب‌شده مانند مدارس یا سایر پروژه‌ها می‌شوند؛ با این ادعا که این زمین برای او است و گاهی اوقات از پیمانکار اموالی را در عوض می‌گیرد تا اجازه کار را به او بدهد. آیا این تصرفی شرعی است؟

ج/ إذا لم تكن الأرض له فعلاً فتصرفه هذا غير شرعي والأموال التي يحصل عليها سحت. نعم، لو أن جماعة تسكن منطقة معينة وجاء شخص من خارج منطقتهم أو شركة أو الحكومة (غير حكومة الإمام العادل) وأرادوا إنشاء مشروع عام أو خاص فلهؤلاء الجماعة الاعتراض وإيقاف هذا المشروع أو المطالبة بتعويض عن الضرر الذي يقع عليهم بسببه إن احتملوا وقوع ضرر عليهم بسبب هذا المشروع، فمثلاً لو أرادت الحكومة (غير حكومة الإمام العادل) أو شركة معينة حفر بئر نفطي أو مقلع أو منجم أو بناء مصنع أو بناء جسر في منطقتهم واحتملوا أن هذا المشروع سيسبب تلوثاً بيئياً، أو سيقطع عنهم طريقاً معيناً، أو يسبب ازدحاماً، أو يسبب ضوضاء مؤذية لهم، أو يسبب تهجير بعض الحيوانات البرية، أو أي ضرر منطقي، فلهم حق الاعتراض والمنع أو المطالبة بالتعويض عن الضرر الذي سيقع عليهم أو على منطقتهم.

پاسخ:

اگر در حال حاضر زمین برای او نباشد، تصرف او شرعی نیست و اموالی که بر اساس آن به دست آورده می‌شود، حرام است. اگر گروهی در منطقه‌ای معین زندگی می‌کنند و کسی از بیرون منطقه آنان یا از طرف شرکتی یا حکومت (غیر از حکومت امام عادل) بیاورد و بخواهد پروژه‌ای عمومی یا خصوصی بنا کند، این گروه می‌توانند اعتراض و این پروژه را متوقف کنند یا درخواست دادن عوض در برابر زبانی که به دلیل آن بر آنان واقع شده است نمایند؛ البته اگر احتمال وقوع زیان را به سبب این پروژه به خودشان می‌دهند. مثلاً اگر حکومت (غیر از حکومت امام عادل) یا شرکت مشخصی بخواهد چاه نفت یا معدنی حفر کند یا کارخانه یا پلی در منطقه آنان بسازد و احتمال بدهند که این پروژه عوارض زیست‌محیطی به همراه داشته باشد یا باعث مسدود شدن راه مشخصی از آنان شود یا باعث مزاحمت گردد یا باعث سروصدای آزاردهنده‌ای برای آنان شود یا باعث از بین رفتن برخی حیوانات وحشی شود یا هر زیان منطقی

دیگری، آنان حق اعتراض و مانع شدن دارند یا می‌توانند به‌عوض زیانی که به آنان یا به منطقه آنان خواهد رسید، درخواست غرامت نمایند.

س ۱۶۶ / نحن مجموعة نسكن منطقة ريفية ويتناقل أن هذه الأرض استولى عليها أجدادنا ولا علم لنا هل هو الجد الرابع أم من هو أعلى منه، ولا علم لنا إلى أي قبيلة تعود، وهل كانت مسكون أم موات، ولا علم لنا بأي موضوع حول الأرض سوى ما يتناقل بين الأهل بأنها قد استولى عليها أجدادنا بفعل الغزو الذي كان سائداً بين القبائل، فما حكم هذه الأرض علماً أننا نسكنها أباً عن جد؟
پرسش ۱۶۶:

ما گروهی هستیم که در منطقه‌ای روستایی زندگی می‌کنیم و نقل شده است که اجداد ما بر این زمین استیلا یافته‌اند و نمی‌دانیم آیا جد چهارم بوده یا بالاتر، و نمی‌دانیم این زمین به کدام قبیله برمی‌گردد و آیا در آن کسی سکونت داشته یا موات بوده است. در مورد این زمین اطلاع خاصی در دستمان نیست مگر آنچه گفته می‌شود و بین ما معروف است که اجدادمان با جنگ و غلبه بر این زمین مسلط شده‌اند و این کار بین قبایل شایع بوده است. حکم این زمین چیست در حالی که ما پدر جدی در آن ساکن بوده و هستیم؟

ج / لا إشكال فيها.

پاسخ:

اشکالی در آن نیست.

س ۱۶۷ / هل يجوز أخذ مبلغ من المال مقابل كل اعتداء مثل السب والشتم والتشهير أو الضرب المدمي فما دونه إلى حد الصفعة، وكيف نحدد المبلغ، أم يجوز أن يكون الرد بالمثل؟
پرسش ۱۶۷:

آیا دریافت مبلغ غرامت در برابر تعرضاتی همچون فحش و ناسزا، بدنام کردن، ضرب و شتمی که به خون‌ریزی منجر شود و پایین‌تر از آن مثل سیلی زدن- جایز است؟ و مبلغ آن را چگونه مشخص کنیم؟ آیا جایز است که رد به‌مثل شود؟

ج / يجوز أخذ تعويض مالي عن أي ضرر.

پاسخ:

دریافت غرامت مالی در برابر آسیب جایز است.

س ۱۶۸ / شخص سرقوا من محله موبایلات و أموال ولكن أصابه ضرر إضافي نتيجة إغلاقه المحل وخسائر الشكوى في مركز الشرطة، بعد ذلك وجد السارق فهل يتحمل السارق ضمان الأموال الإضافية أم الأعيان التي سرقها فقط؟
پرسش ۱۶۸:

از مغازه کسی موبایل و اموالی را سرقت کرده‌اند؛ اما به سبب بسته شدن مغازه و هزینه‌های شکایت در مرکز پلیس، آن شخص خسارت‌های دیگری نیز متحمل شده است. پس از آن سارق دستگیر شد. آیا این سارق ضامن این خسارت‌های اضافه نیز هست؟ یا فقط ضامن اموالی است که دزدیده است؟

ج/ يتحمل السارق ما قام بسرقة.

پاسخ:

سارق آنچه به سرقت برده است را متحمل می‌شود.

س ۱۶۹ / أحياناً نشارك في مسائل عشائرية مع الأنصار ومع غيرهم كحضور فصل عشائري لشخص دهنس بسيارة، وفي قانون العشائر لا يدفعون الدية الشرعية، فهل يجوز لنا المشاركة، وهل المطالبة بهذا الفصل شرعي، وما هي الضابطة الشرعية للدية في زماننا؟
پرسش ۱۶۹:

گاهی در مسائل قبیله‌ای با انصار و دیگران مشارکت می‌کنیم، مانند حاضر شدن در مجلس رسیدگی به دیه کسی که ماشین او را زیر گرفته است و در قانون قبیله‌ای، دیه شرعی پرداخت نمی‌شود. آیا جایز است با آن‌ها مشارکت داشته باشیم؟ و آیا مطالبه دیه به این شکل شرعی است؟ و ضابطه شرعی برای دیه دادن در زمان ما چیست؟

ج/ يجوز المشاركة، وما يحصل في الفصل العشائري عادة هي عملية تراضي و صلح بين الطرفين وهذا لا إشكال فيه، فيجوز التراضي بين الطرفين على مقدار معين.

پاسخ:

مشارکت جایز است. آنچه در حل و فصل مسائل قباایل حاصل می‌شود به‌طور معمول عبارت است از راضی کردن طرفین و صلح و آشتی برقرار

کردن بین طرفین، و در این کار اشکالی وجود ندارد. پس اینکه طرفین بر مقدار معینی رضایت دهند جایز هست.

س ۱۷۰ / یاتینا فصل من العشیره، هل يجوز أخذه ونحن ندفع عندما يقع الفصل على العشیره، فهل يجوز الدفع؟
پرسش ۱۷۰:

نتیجه حل و فصل از طرف قبیله به ما می‌رسد. آیا جایز است آن را دریافت کنیم؟ این در حالی است که اگر دآوری علیه قبیله ما باشد آن را پرداخت می‌کنیم. آیا این پرداخت کردن جایز است؟

ج/ الفصل إذا كان تعويضاً لفرد في العشیره كأن يكون دية أو ما شابه فهو لهذا الشخص دون غيره ولا يجوز لغيره مشاركته فيه، أما إذا كان الفصل عبارة عن تعويض لكل أفراد العشیره كأن يكون تعويضاً عن أرض عامة للعشیره أو ما شابه فيجوز توزيعه على أفراد العشیره ويجوز لكل فرد أخذ حصته، أما دفع المال أو مشاركة أبناء العشیره في دفع الفصل الذي وقع على فرد منها فهو جائز ويعتبر من الإحسان خصوصاً إذا كان الفرد غير قادر على دفع المبلغ أو كان دفع المبلغ يسبب له ضرراً كبيراً.
پاسخ:

اگر این دآوری در عوض یک فرد از قبیله باشد مانند دیه یا شبیه آن- آن دآوری برای همان شخص است نه کس دیگر و جایز نیست کس دیگری در آن شریک باشد؛ اما اگر این دآوری در عوض تمام افراد قبیله باشد مانند عوضی در برابر زمین عمومی برای قبیله یا موارد دیگر- جایز است که آن دآوری بین افراد قبیله توزیع شود و هرکسی می‌تواند سهم خود از آن را دریافت کند. اما پرداخت مال یا مشارکت اعضای قبیله در پرداخت مبلغی که یکی از اعضای قبیله به پرداختش محکوم شده است، جایز است و این احسان شمرده می‌شود، به خصوص هنگامی که آن شخص قادر به پرداخت مبلغ گفته شده نباشد یا پرداخت آن مبلغ باعث ضرر و زیان بزرگی برایش گردد.
